

تبی
اجنبی

۲۱۹۸۴

بسمه تعالى

"هدیه به روح ملکوتی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه"

"احیاء گر اسلام ناب محمدی و تمام شهیدان راه حق و حقیقت"

"بالاخص برادر عزیزم بسیجی شهید حسن کشاورز"



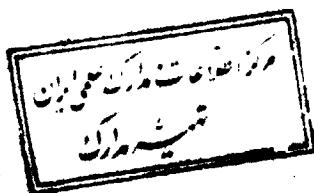
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
شماره ثبت ۱۲۲
سال ۴

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

۱۳۷۷/۸/۱

گرایش / شاخه فلسفه و کلام



شناخت شناسی مدرالمتالهین شیرازی

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای دکتر احمد بهشتی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر بیوک علیزاده

نگارش از: مرتضی کشاورز

شماره دانشجویی: ۶۸۳۰۹۱۱۱

تاریخ: ۱۳۷۶ ماه اسفند

۲۱۹/۱۵

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد مسؤول عقایدی که

نوبسته در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد...

هر نوع استفاده از این اثر منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

بسمه تعالیٰ
چکیده پایان نامه

"شناخت شناسی صدرالمتاللهین شیرازی"

دراین پایان نامه مسائل عمدۀ شناخت در فلسفه صدرالمتاللهین شیرازی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

برای این امر نخست به بررسی سیر تاریخی شناخت در فلسفه از قدیم الایام تا جریانهای معاصر پرداخته ایم. در این بررسی مسائل عمدۀ شناخت شناسی را بدست آورده و سپس دسته بندی نموده ایم.

در گام بعد آثار صدرالمتاللهین شیرازی را بررسی نموده ایم. در ضمن بررسی آثار صدرالمتاللهین مشخص گردید، ایشان مانند دیگر فلاسفه اسلامی کرچه با ب مشخص به مساله شناخت اختصاص داده اند و بصورت صريح مسائل عمدۀ شناخت را مطرح ننموده اند، اما در ضمن ابواب مختلف فلسفه خود، این مساله را بطور مستقیم یا غیرمستقیم مطرح و مورد بحث و بررسی قرارداده اند.

لذا کلیه مواضعی که ایشان مطرح نموده و بطور مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل شناخت ارتباط داشته را جمع آوری کرده و آنها را در دو بخش "شناخت شناسی شناخت" و "هستی - شناسی شناخت" دسته بندی نموده ایم. و در هر فصل از بخش ها مطالب مطرح شده را مورد بحث و بررسی قرارداده ایم و دیدگاه صدرالمتاللهین را بصورت مستدل در آن مورد خاص بیان کرده ایم.

سپس بد جمع بندی ونتیجه گیری مطالب مطرح شده پرداخته ایم، که برای این امر نخست پاسخ نهائی صدرالمتاللهین را که در آخر هر فصل مطرح گردیده، بعنوان اصول بیان کرده ایم، و با بیان مسائل عمدۀ شناخت سعی نموده ایم موضع ایشان را در مورد هر مساله با توجه به اصولی که از فلسفه ایشان بدست آورده ایم تبیین نمائیم.

نہذہ موجزہ عن الرسالہ

فی

علم المعرفه للفیلسوف الكبير

صدر المتألهین الشیرازی

تبحث هذه الوسالہ اهم قضايا علم المعرفه من منظور فلسفه صدر المتألهین الشیرازی وقد طرحنا في مقدمه الامر لمحمد تاریخیه عن علم المعرفه ودوره في الفلسفه منذ القديم وحتى الوقت الراهن ، وتمكننا من خلالها مطالعه اهم قضايا علم المعرفه وبالنالی قمنا باعداد فهرست کامل حول هذا الموضوع .. .
وفي خطوتنا التالیه قمنا بالتحقيق حول مؤلفات وآثار صدر المتألهین الشیرازی واكتشفنا من خلالها بان هذا الفیلسوف شانه کشان سائر الفلاسفه المسلمين اوضح من خلال شرحه لابواب الفلسفه المختلفه کافه القضايا والامور التي تخص علم المعرفه بصورة مباشره وغير مباشره بالرغم من عدم اشارته بهذا الموضوع بصورة واضحه وصريحه ، لذلك نستطيع من خلال قراءه والتدقیق في المواقف والقضايا التي اشار اليها هذا الفیلسوف الكبير الكشف عن كثیر من الامور والقضايا التي تخص علم المعرفه بصورة مباشره او غير مباشره ، وقمنا بادراج هذا الموضوع في فصلین على حده ، الفصل الاول حول " معرفه علم المعرفه " والفصل الثانی حول " ذات علم المعرفه " ، حيث قدمتنا في كل فصل استعراضا لام المواقیع التي تم مناقشتها من منظور هذین الفصلین وكذلك ناقشنا وجهه نظر ومواقف صدر المتألهین بالاستعانة من الادله والاستنتاجات .
وفي ختام الرسالہ قمنا باعداد خلاصه موجزه للمواقیع التي تم مناقشتها في كل فصل وقدمنا في هذا المضار النتائج التي توصل اليها الفیلسوف صدر المتألهین في مؤلفاته وتعد مبادئ الرسالہ التي اعدت لهذا الغرض حاولنا تفہیم وتوضیح المواقف الاساسیه لفلسفه صدر المتألهین عن طریق استعراض اهم قضايا علم المعرفه والعقبات التي تدخل احیانا في طریقہ .

IN THE NAME OF GOD

Epistemology of Sadr - al - Moteallehin Shirazi

Abstract :

This thesis dis cusses the main problems of epistemology in the philosophy of sadr - al - Moteallehin shirazi.

To do this , first a survey of the historical development of epistemology in philosophy from earliest periods till contemporary era been offered providing and classifying the principal issues of epistemology.

Next the works of sadr - al- Moteallehin shirazi has been surveyed . During this survey it be came clear that although he , like other islamic philosophers, has not devoted an independent chapter to the discussion of epitemology and has not specifically dealt with its principle isseus, he has , infact tolked about it in his other chapters either directly or indirectly.

Therefore , all his discussions which either directly or indirectly pertain to the topic of epistemology have been gathered and classified under two heading " Epistemology of knowledge " and : Ontology of

knowledge." And in the chapters of each heading discussion have been offered , and arguments have been putforward in support of sadr- al - Moteallhin shirazi's viewpoints on that particular issue.

Finally , we have concluded the discussion by first giving his final theory as a principal offered at the end of each chapter, and by explaining the main problems of epistemology we have tried to justify his viewpoints on each rproblem considering those principles.

بسمه تعالیٰ
فهرست اجمالی مطالب

الف	پیشگفتار
۱	بخش اول : مباحث مقدماتی
۲	فصل اول : کلیات
۱۰	فصل دوم : سیر تاریخی شناخت
۴۴	فصل سوم : احوال ، افکار و آثار صدر المتألهین
۵۳	بخش دوم : شناخت شناسی شناخت
۵۴	فصل اول : علم ، ادراک ، معرفت
۷۷	فصل دوم : اقسام ادراک و نحوه حصول آنها
۱۱۰	فصل سوم : اثبات وجود ذهنی
۱۲۸	فصل چهارم : واقع نمائی وجود ذهنی
۱۵۹	فصل پنجم : معقولات اولیه و ثانیه
۱۸۷	بخش سوم : هستی شناسی شناخت
۱۸۸	فصل اول : علم حضوری
۲۰۸	فصل دوم : اتحاد عاقل و معقول
۲۴۰	فصل سوم : تجرد صور ادراکی
۲۷۵	جمع بندی
۲۸۱	فهرست منابع و مأخذ

فهرست تفصیلی مطالب

۲۸	ج) اسپینوزا	الف	پیشگفتار
۲۸	د) لایب نیتز	۱	* بخش اول : مباحث مقدماتی
- تجربه گرانی قرن هفدهم و			
۲			
فصل اول : کلیات			
۲۹	هجدhem	۳	- تعریف شناخت
۲۹	الف) ژان لاک	۵	- اهمیت و جایگاه مسأله شناخت
۳۰	ب) بارکلی	۶	- ارکان شناخت
۳۱	ج) هیوم	۷	- مسائل اساسی شناخت شناسی
۳۲	- معرفت شناسی کانت	۱۰	فصل دوم : سیر تاریخی شناخت
۳۵	- فلسفه ایده آلیستی ما بعد کانتی	-	- فلاسفه قبل از سقراط و پیدایش
۳۵	الف) فیخته	۱۱	Sofisim
۳۶	ب) هگل	۱۳	- سقراط
۳۷	ج) شوبنهاور	۱۴	- افلاطون
۳۷	- مسأله شناخت در قرن نوزدهم	۱۵	- ارسسطو
۳۹	- واقع گرانی قرن بیستم	-	- فلاسفه عصر هلنیسم (متاخرین)
۴۰	- جریانهای معاصر	۱۸	حکمای قدیم)
۴۱	الف) فلسفه زبان	۱۸	الف) مکتب اپیکوری
۴۱	ب) فلسفه تحلیل زبان	۱۹	ب) مکتب رواقی
۴۲	- مسأله شناخت نزد فلاسفه اسلامی	۲۰	ج) مکتب شکاکان
فصل سوم : احوال ، افکار و آثار			
۴۴	صدرالمتألهین	۲۱	- تفکر قرون وسطی
-			
- اجمال تاریخ زندگی صدرالمتألهین			
۴۵	-	۲۴	- عقل گرانی قرن هفدهم
۴۶	- ادوار زندگی صدرالمتألهین	۲۵	الف) رنه دکارت
-			
ب) مالبرانش			

٦٥	- تقسیمات مختلف علم	٤٨	- استاد صدرالمتألهین
	الف) علم حصولی و علم حضوری	٤٨	- شاگردان صدرالمتألهین
٦٦	ب) علم اجمالی و علم تفصیلی	٤٩	- مبانی فلسفی صدرالمتألهین
٦٦	ج) علم فعلی و علم افعاعی	٥٠	- آثار صدرالمتألهین
٦٦	د) علم مرکب و علم بسیط	٥٣	* بخش دوم : شناخت شناسی شناخت
٦٧	ه) علم جزئی و علم کلی	٥٤	فصل اول : علم ، ادراک ، معرفت
٦٨	- ادراک	٥٥	- علم
٦٩	- ادراک نزد ابن سينا	٥٦	- اطلاقات مختلف علم
٧٠	- ادراک نزد شیخ اشراق	٥٦	- نظر ابن سينا
٧٠	- ادراک نزد صدرالمتألهین	٥٨	- نظر شیخ اشراق
٧١	- معرفت	٥٩	- نظر فخر رازی
٧١	- معانی مختلف معرفت		- ابطال نظریه های مختلف
٧٢	- نظرات مختلف پیرامون معرفت	٦٠	توسط ملا صدرا
٧٢	- نظر صدرالمتألهین	٦٠	الف) تفسیر علم به امر سلی
٧٣	- فرق علم و معرفت	٦١	ب) تفسیر علم به تجرد از ماده
٧٤	- نتیجه گیری		ج) تفسیر علم به صورت
	فصل دوم : اقسام ادراکات و نحوه	٦١	منطبعه در ذات عاقل
٧٧	حصول آنها	٦٢	د) تفسیر علم به اضافه
٧٨	- تعریف نفس نزد حکما		ه) تفسیر علم به کیفیت
٧٨	- تعریف صدرالمتألهین از نفس	٦٣	ذات اضافه
٨٠	- قوای نفس		و) توضیح و تأویل سخن
٨١	- نمودار قوای نفس از نظر ابن سينا	٦٣	شیخ اشراق
٨١	- نظر صدرالمتألهین		- نظر صدرالمتألهین
٨٢	- قوای ظاهري (حوالى پنجگانه)	٦٤	در مورد علم

۹۷	الف) نظریه تجرید	۸۴	- چگونگی ابصار
	ب) نظریه صدرالمتألهین	۸۵	الف) نظریه انطباع
۹۸	(نظریه تعالی)	۸۵	ب) نظریه خروج شعاع
۱۰۲	- ادراکات عقلی و مسأله کلی	۸۶	ج) نظر شیخ اشراق
۱۰۶	- خلاصه و نتیجه گیری	۸۶	د) نظر صدرالمتألهین
۱۱۰	- فصل سوم: اثبات وجود ذهنی	۸۷	- قوای باطنی
۱۱۱	- سیر تاریخی بحث وجود ذهنی	۸۷	الف) حس مشترک
۱۱۲	- مفهوم وجود ذهنی	۸۸	ب) قوه خیال
۱۱۳	- براهین اثبات وجود ذهنی	۸۸	ج) قوه متصرفه
۱۱۴	۰ مقدمه اول	۸۹	د) قوه واهمه
۱۱۴	۰ مقدمه دوم	۹۰	ه) قوه حافظه
۱۱۵	- برهان اول	۹۰	- مراتب عقل نظری
۱۱۵	- نقد برهان اول	۹۱	الف) عقل هیولاتی
۱۱۶	- پاسخ نقد	۹۱	ب) عقل بالملکه
۱۱۷	- نظریه صدرالمتألهین در این مقام	۹۲	ج) عقل بالفعل
۱۱۷	- برهان دوم	۹۲	د) عقل مستفاد
۱۱۸	- نقد اول بر برهان دوم	۹۲	- اقسام ادراک
۱۱۹	- نقد دوم بر برهان دوم	۹۳	الف) احساس
۱۲۰	- جواب نقد اول و دوم	۹۳	ب) تخیل
۱۲۰	- نقد سوم بر برهان دوم	۹۳	ج) توهם
۱۲۱	- جواب نقد سوم	۹۳	د) تعقل
۱۲۱	- برهان سوم	۹۴	- فرق احساس و تخیل
۱۲۳	- نقد برهان سوم	۹۴	- فرق توهם و تعقل
۱۲۳	- پاسخ نقد	۹۵	- حصول اقسام ادراک

۱۴۳	- نقد نظر سید سند بر نظر خود	۱۲۴	- برهان چهارم
۱۴۴	- نقد سبزواری بر نظر سید سند	۱۲۴	- نقد حکیم سبزواری بر برهان چهارم
۱۴۴	- نقد دولانی بر نظر سید سند	۱۲۵	- برهان پنجم
۱۴۵	- توجیه نظر سید سند توسط صدر المتألهین	۱۲۵	- یک تنبیه بر تحقق وجود ذهنی
۱۴۹	- عقیده صدرالمتألهین	۱۲۶	- خلاصه و نتیجه گیری
۱۴۹	• مقدمه اول	۱۲۹	* مقدمه بحث
۱۵۰	• مقدمه دوم	۱۳۰	الف) نظریه تطابق ماهوی
۱۵۰	• مقدمه سوم	۱۳۱	ب) نظریه اضافه
۱۵۱	• مقدمه چهارم	۱۳۲	نقد نظریه اضافه
۱۵۱	• مقدمه پنجم	۱۳۲	ج) نظریه اشباح
۱۵۲	• مقدمه ششم	۱۳۴	نقد نظریه اشباح
۱۵۲	- جواب صدرالمتألهین بر مبنای قوم		- اشکالات وارد بر نظریه تطابق
۱۵۳	- نظرنهایی صدرالمتألهین	۱۳۵	ماهوی
۱۵۶	- خلاصه و نتیجه گیری	۱۳۶	- اشکال اول
۱۵۹	فصل پنجم: اقسام معقولات	۱۳۷	- اشکال دوم
۱۶۰	- اقسام معقولات	۱۳۸	- اشکال سوم
۱۶۰	الف) معقولات اولیه	۱۳۸	- اشکال چهارم
۱۶۰	ب) معقولات ثانیه منطقی	۱۳۸	- نظرات مختلف در جواب اشکالات
۱۶۱	ج) معقولات ثانیه فلسفی	۱۳۹	الف) نظر فاضل قوشچی
۱۶۲	- معانی مختلف اعتباری	۱۳۹	نقد نظر فاضل قوشچی
۱۶۴	- سیر تاریخی مبحث معقولات	۱۴۱	ب) نظر محقق دولانی
۱۶۴	- کنده	۱۴۱	نقد نظر محقق دولانی
۱۶۵	- فارابی	۱۴۲	ج) نظر سید سند

۲۰۱	- علم واجب	۱۶۵	- این سینا
۲۰۱	علم واجب به ذات خود	۱۶۶	- خواجه طوسی
۲۰۲	علم واجب به مساواه	۱۶۷	- شیخ اشراق
۲۰۶	- خلاصه و نتیجه گیری	۱۶۸	- صدرالمتألهین
۲۰۸	فصل دوم : اتحاد عاقل و معقول		- نظر صدرالمتألهین در مورد نحوه وجود معقولات ثانیه
۲۰۹	- تاریخچه	۱۷۲	
۲۱۲	- مقدمات		- اختلاف نظر صدرالمتألهین و حکیم سبزواری
۲۱۳	• مقدمه اول (عقل ، عاقل ، معقول)	۱۷۵	
۲۱۳	• مقدمه دوم (انحاء اتحاد)		- نظر مرحوم حاج شیخ محمد تقی آملی
۲۱۴	• مقدمه سوم (فرق معلوم بالذات و بالعرض)	۱۷۶	- نظر میرزا مهدی آشتیانی
۲۱۶	• مقدمه چهارم (اتحاد در همه اقسام ادراک)	۱۷۷	- نظر علامه طباطبائی
۲۱۷	• مقدمه پنجم (نسبت نفس به قوا)	۱۷۷	- نظر حکیم ملا علی مدرس
۲۱۷	• مقدمه ششم (علم ذات به خود و به غیر خود)	۱۷۸	- ارتباط معقولات ثانیه با مسأله شناخت
	- مبانی صدرالمتألهین برای اثبات اتحاد عاقل و معقول	۱۷۹	
۲۱۸	- تقریر صدرالمتألهین از قاعده اتحاد عاقل و معقول	۱۸۴	- خلاصه و نتیجه گیری
	- بخش سوم : هستی شناسی شناخت	۱۸۷	
۲۱۹	اتحاد عاقل و معقول	۱۸۸	فصل اول : علم حضوری
۲۲۰	- برهان اول (برهان تضایف)	۱۸۹	- تعریف علم حضوری و حضوری
۲۲۳	- اشکال سبزواری و جواب آن	۱۹۰	- فرق علم حضوری و حضوری
۲۲۴	- نقد سخن دکتر حائزی یزدی		- جایگاه علم حضوری در معرفت
۲۲۶	- برهان دوم	۱۹۱	شناسی
۲۲۷	- برهان سوم	۱۹۲	- حقیقت علم حضوری
۲۲۷	- برهان چهارم	۱۹۶	- اقسام علم حضوری

۲۵۸	- براهین اثبات تجرد صور خیالی	۲۲۸	- برهان پنجم
۲۵۸	- دلیل اول	۲۲۹	- تقریر نظریه ابن سینا در درد اتحاد
۲۵۹	- دلیل دوم	۲۲۹	- دلیل اول ابن سینا
۲۶۰	- دلیل سوم	۲۳۰	- دلیل دوم ابن سینا
۲۶۱	- دلیل چهارم	۲۳۱	- دلیل سوم ابن سینا
۲۶۱	- دلیل پنجم		- دفع اشکالات ابن سینا توسط
	- ادله ابن سینا بر جسمانی	۲۳۳	صدرالمتألهین
۲۶۲	بودن قوه خیال	۲۳۶	- خلاصه و نتیجه گیری
۲۶۲	- دلیل اول	۲۴۰	فصل سوم : تجرد صور ادراکی
۲۶۴	- جواب صدرالمتألهین	۲۴۱	• مقدمه
۲۶۷	- دلیل دوم		- اختلاف نظر صدرالمتألهین و
۲۶۷	- جواب صدرالمتألهین	۲۴۳	ابن سینا
۲۶۸	- دلیل سوم	۲۴۴	- تجرد ادراک حسی
۲۶۸	- جواب صدرالمتألهین	۲۴۶	- دلیل اول
۲۶۹	- تجرد صور معقوله	۲۴۶	- دلیل دوم
۲۷۰	- دلیل اول	۲۴۷	- دلیل سوم
۲۷۱	- دلیل دوم	۲۴۷	- دلیل چهارم
۲۷۲	- دلیل سوم	۲۴۹	- اشکال بر تجرد صور حسی
۲۷۳	- خلاصه و نتیجه گیری	۲۵۰	- جواب صدرالمتألهین
	- جمع بندی نظرات	۲۵۱	- تجرد صور خیالی
۲۷۵	صدرالمتألهین	۲۵۲	- نظر ابن سینا
۲۸۱	- فهرست منابع و مأخذ	۲۵۳	- قول ابن سینا در مباحثات
		۲۵۶	- نظر شیخ اشراق
		۲۵۷	- نظر صدرالمتألهین

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

پیشگفتار:

حمد و ستایش خدائی را سراست که به انسان قدرت شناخت و کسب معرفت عطا نمود و علم و علم آموزی را عملی نیکو و پسندیده برشمرد، همو که در هدیه کاملترین دین به بشریت مسأله علم و علم آموزی را در نخستین پیام، به پیامبر رحمت یادآوری نمود. و درود و سلام بر پیامبر عظیم الشأن اسلام، که علم آموختن را بر هر مرد و زن مسلمان واجب فرمود و آنرا به عنوان یک فریضه از تولد تا مرگ تأکید نمود. و سلام و صلوات بر آل طاهریش که از منبع علومشان، تشکیل معرفت را سیرآب نمودند و نیز درود و سلام بر همه کسانی که ارزش علم را دانسته و درکسب آن بزرگترین سرمایه خوبیش را هزینه نمودند.

تعریف شناخت شناسی:

از آنجا که موضوع پایان نامه شناخت شناسی می باشد لازم است تعریفی از شناخت شناسی بیان کنیم تا روشن شود درباره چه چیز می خواهیم بحث کنیم. گرچه لفظ "شناخت" را جز با تعریف لفظی نمی توان تعریف نمود، آما شناخت شناسی را می توان اینگونه تعریف کرد که علمی است که در آن اموری از جمله ارزش معلومات، نحوه حصول ادراکات و تطابق یافته های بشری با عین خارجی مورد بررسی قرار می گیرد.

پیشینه تاریخی:

مسأله شناخت و شناخت شناسی گرچه از قدیم الایام به صورت امروزی مطرح نبوده اما می توان گفت مسأله ارزش ادراکات که محور اصلی مسائل شناخت را تشکیل می دهد از دیرباز مطرح بوده است و فراز و نشیبهای فراوانی نیز داشته

است تا اینکه در چند قرن اخیر به صورت جدی تر مطرح گردید . طوری که بعضی قائل شده اند فلسفه را باید شناخت شناسی دانست نه هستی شناسی .

گفته می شود لایب نیتز اولین کسی بوده است که به صورت سیستماتیک این مسأله را مطرح نموده است . اما شاید بتوان گفت اکثر فلسفه غرب گرچه بر تعداد مسائل شناخت افروزه اند اما کمتر توانسته اند به حل مشکلات شناخت نائل آیند .

فلسفه اسلامی گرچه باب معین و عنوان مشخصی را به مسأله شناخت اختصاص نداده اما در ضمن ابواب مختلف به مسائل گوناگون شناخت پرداخته اند که با جمع آوری آنها می توان به حل اشکالات عده شناخت رسید .

بررسی مسأله شناخت با توجه به پراکندگی مباحث آن در حکمت متعالیه تا بحال صورت نگرفته است ، گرچه درباره بعضی از مسائل به صورت مجزا بحث شده است اما جمع آوری مسائل متفرق در بین ابواب مختلف فلسفه صدر المتألهین و بررسی مسائل مختلف شناخت با توجه به اصول حکمت متعالیه نیاز به تحقیقی مستقل در این زمینه داشت .

ما سعی کرده ایم مسائل و مطالبی را که در حکمت متعالیه مطرح شده است و به نحوی ارتباط با مسأله شناخت دارد جمع آوری نموده و به بررسی مسائل شناخت با توجه به حکمت متعالیه بپردازیم .

انگیزه انتخاب موضوع :

حقیر از ایام نوجوانی به پاره ای از مسائل علاقمند بودم که به نحوی ارتباط با مسأله شناخت داشت ، گرچه در آن زمان چیزی درباره شناخت و شناخت شناسی ، نمی دانستم اما همواره سوالاتی ذهنم را به خود مشغول کرده بود . از آن جمله این سوال بود که : آیا می توان این فرضیه را درست دانست که هر کس در امر دیدن

رنگها، رنگ خاصی را بینند که دیگران هرگز ندیده اند. اما چون از کودکی نام آن رنگ خاص را مثلاً سفید یا سبز شنیده است مانند دیگران آنرا سفید یا سبز بنامند؟ سوالاتی از این قبیل بود که همواره ذهنم را به خود مشغول می ساخت و نهایتاً منجر شد به اینجا که حقیر رشته ریاضی و فنی را رها کنم (با اینکه استعداد آن رشته را داشتم و در یک ترم نیز نفر دوم کلاس خود شدم) و با فراهم آوردن مقدماتی که به آسانی نیز فراهم نشد، در رشته فلسفه ادامه تحصیل دهم و خوشحالم که عنوان پایان نامه خود را در مورد مسأله شناخت انتخاب نموده ام. گرچه مدعی نیستم در این راه به طور کامل همه مسائل شناخت را مطرح نموده ام اما همینقدر که تا حدودی مسائل مختلف شناخت را در فلسفه صدرالمتألهین جمع آوری نموده ام احساس خوشحالی می کنم.

روشن تحقیق:

بنده نخست با توجه به بررسی سیر تاریخی شناخت، سعی نموده ام مسائل عمدۀ شناخت شناسی را به دست آورم که در این زمینه به بررسی نظرات حکمای ماقبل سقراط تا جریانهای فلسفی معاصر پرداخته ام و با این بررسی، مسائل عمدۀ شناخت شناسی را به صورت منطقی طبقه بنده نمودم. سپس با مطالعه آثار صدرالمتألهین مواضعی را که به نحوی مطلبی بحث شده است و ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با مسأله شناخت شناسی داشته جمع آوری نموده و آنها را در دو بخش "شناخت شناسی شناخت" و "هستی شناسی شناخت" قرار داده و سپس با توجه به این اصول به بررسی مسأله شناخت از دیدگاه صدرالمتألهین پرداخته ام، تا روشن شود کدامیک از مسائل شناخت را با اصول حکمت متعالیه می توان پاسخ داد و کدامیک از مسائل قابل تفسیر و تبیین نیست.

دستاوردهای تحقیق:

همانطور که بیان شد شاید بتوان ادعا کرد برای اولین بار مسائل مختلف شناخت شناسی ، که در ضمن ابواب مختلف فلسفه صدرالمتألهین بحث شده است به صورت یکجا و با هم مورد ملاحظه قرار گرفته است . زیرا صدرالمتألهین باب مشخصی را به این موضوع اختصاص نداده اند بلکه قسمتها بیان از بحث را در مباحث مربوط به نفس مطرح نموده است ، قسمتی از بحثهای شناخت را در باب مقولات ، آنچنانکه علم را به عنوان کیف نفسانی مطرح می کنند بیان کرده است . قسمت دیگری از بحثها را در بحثی تحت عنوان عقل و معقول مطرح نموده است . و در بحث وجود ذهنی نیز قسمت عمده ای از مسائل شناخت را بیان نموده است همچنین در مبحث اعتبارات ماهیت و مباحث مربوط به مسأله کلی نیز قسمت دیگری از بحثهای شناخت مطرح گردیده است . و پاره ای از مطالب شناخت را در بحث مقولات و تقسیم مقولات ثانیه به فلسفی و منطقی آورده است . لذا در پایان نامه سعی شده است علاوه بر جمع آوری مسائل متفرق و تنظیم آنها و بیان نحوه ارتباط آنها با همدیگر و همچنین بیان نحوه ارتباط آنها با مسأله شناخت ، به بررسی مسائل شناخت با توجه به این مطالب پرداخته شود .

مشکلات کار:

مسأله شناخت شناسی دارای مسائل مختلف و گسترده ای است که هر مسأله آن نیاز به تحقیقی مستقل و جامع دارد و لذا گرداوری این مسائل در تحقیقی واحد کار آسانی نیست ، زیرا از یکطرف باید مطالب به صورت خلاصه بیان شود طوریکه بتوان در حجم یک تحقیق به همه مطالب پرداخته شود و از طرف دیگر باید حق مطلب نیز ادا شود و این مشکلی بود که از اول تا پایان تحقیق وجود داشت . از طرف دیگر حجم فلسفه صدرالمتألهین نیز بر این مشکل اضافه می شود زیرا در حکمت متعالیه با حجم عظیمی از مطالب سر و کار داریم که متأسفانه ترتیب منطقی

نیز در آن رعایت نشده است^(۱) و لذا همواره در اثبات مطالب از اصولی استفاده می‌شود که اگر ترتیب منطقی اصول لحاظ نگردد شبکه مصادره به مطلوب پیش می‌آید، مضارفاً بر اینکه گاهی مطلبی به صورت مستدل بیان شده که با اصول دیگر حکمت متعالیه سازگاری ندارد که با دقت در آن و تحقیق بیشتر مشخص می‌گردد که صدرالمتألهین آن مطلب را بر مبنای قوم بیان کرده است. اما با این همه امید آنرا دارم که در این راه گامی برداشته باشم.

خلاصه فصول و بخشها:

در اینجا به طور خلاصه به مطالب مطرح شده در این پایان نامه اشاره می‌کنیم. پایان نامه در سه بخش و یازده فصل تنظیم گردیده است. نخستین بخش آن مباحث مقدماتی است که شامل سه فصل است. در فصل اول آن کلیاتی از بحث شناخت شناسی از جمله تعریف شناخت و بیان اهمیت و جایگاه مسأله شناخت و همچنین ارکان شناخت و بیان مسائل مهم شناخت شناسی مطرح گردیده است. در فصل دوم آن نگاهی اجمالی به سیر بحث شناخت شناسی از حدود پنج قرن قبل از میلاد یعنی پیدایش سوفیسم تا جریانهای فلسفی معاصر شده است، تا در جین مباحث، مسائل عمدۀ شناخت شناسی در سیر تفکر بشری روشن گردد. و در فصل سوم این بخش به بررسی احوال، افکار و آثار صدرالمتألهین و بیان مبانی حکمت متعالیه پرداخته شده است.

بخش دوم را به مطالبی اختصاص داده ایم که مربوط به شناخت شناسی شناخت می‌باشد که شامل پنج فصل می‌باشد. فصل اول را به بیان اطلاقات مختلف علم، ادراک و معرفت پرداخته ایم و نتیجه گرفته ایم که حکما از جمله صدرالمتألهین معمولاً این الفاظ را به صورت متادف به کار برده اند و مانیز به

(۱) منظور این است که در نوشتار آن ترتیب منطقی رعایت نشده است.